

۱۰۷۹۲۰۰

شیرزاد

دکتر ناظرزاده کرمانی

سرشناسه:	ناظرزاده کرمانی، احمد، ۱۲۹۶-۱۳۵۵.
عنوان و نام پدیدآور:	شیرزاد / نویسنده: ناظرزاده کرمانی.
مشخصات نشر:	تهران: نوین، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۴۲۵ ص.: مصور(رنگی)
شابک:	978-964-6325-85-2
وضعیت فهرست نویسی:	فیا.
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۸ ش ۹ / PIR۸۲۳۷
رده‌بندی دیوپی:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۶۹۳۱۴۴



انتشارات نوین

عنوان: شیرزاد

نویسنده: دکتر ناظرزاده کرمانی

چاپ اول: ۱۳۸۸

چاپ: دلارنگ

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۸۵-۲

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات پر - خ لبافی‌نژاد بعد از چهارراه کارگر - کوچه جعفرزاده - پلاک ۷

تلفن: ۶۶۵۶۷۳۲۴-۶۶۵۶۹۷۸۶

سر آغاز

نزدیک به ششصد سال پیش از این در کشور کهن سال ما حوادثی روی داده که خواننده عزیز داستان شگفت‌انگیز شیرزاد با قسمت بسیاری از آن آشنا خواهد شد. شش قرن اگر به تصور آدمی روزگاری دراز باشد. در جنب عمر دنیا نفسی بیش نیست و وقایع عصری که ما دورنمای برخی از صحنه‌های آن را پیش چشم خواننده گرامی مجسم کرده‌ایم چنان‌که حیرت‌آور جلوه کند در مقایسه با دیگر حوادث عجیب و پایان‌ناپذیر این سرزمین در شمار وقایعی است که همیشه ایران ما با آن سر و کار داشته است.

اما اهمیت عصری که ما از آن سخن می‌رانیم از لحاظ ادب پارسی قابل توجه است، زیرا در این دوران آشفته سخنوران نامی که گوش جان ایرانی بانوای روح‌پرور و دل‌انگیز آنان آشنایی یافته (تحت تأثیر محیط) نغمه‌های جاودانی سروده‌اند که در امتداد قرون همواره بر لطف و تأثیر آن افزوده شده است.

خوشنوترین این داستان‌سرایان حافظ شیرازیست که از صدای سخن عشقش یادگاری دلپذیرتر در گنبد دوار نمانده و انس بسیار اهل ادب با آهنگ دلپذیر سخنش به آنجا کشیده است که برخی نکته‌سنجان گفته‌اند: پس از او دیگر شاعری که به راستی هنرنمایی تازه‌ای کرده باشد در ایران از مادر زاده نشده است! در داستان تاریخی شیرزاد خوانندگان عزیز با وقایع عصر حافظ و بسیاری از

کسانی که این شاعر در آثار خود از آنان نام برده آشنایی خواهند یافت و پرده‌های گوناگون حوادث هیجان‌آور را در این دوران آشفته تماشا خواهند کرد اما اگر نویسنده این داستان تنها به تجسم وقایع تاریخی اجتماعی عصر حافظ اکتفا کرده بود، اثر خود را چنان که می‌خواست ارجمند نمی‌شمرد زیرا تاریخ نویسان قدیم (صرفنظر از مبالغه‌ها و تملق‌ها) تاحدی این وظیفه را انجام داده‌اند و مورخان معاصر نیز در این راه کوشش بسیار به کار برده‌اند بنابراین امتیاز کتاب شیرزاد تنها این نیست که نخواهد گذاشت خواننده از حوادث گوناگون عصر حافظ احساس خستگی و ملال کند، چه با میل و علاقه او را وادار به دانستن نتایج زد و خوردها و کشمک‌ها و پایان ماجراها خواهد کرد. ولی من از نوشتن این داستان پندآموز منظوری عالی و مقدس داشتم که اگر در آن توفیق یافته باشم یقین دارم خدمتی بزرگ نسبت به خوانندگان گرامی خاصه جوانان نکته‌سنج کشور انجام داده‌ام.

توضیح بسیار درباره این (منظور) آن هم در مقدمه نه، به جاست و نه من اکنون مجال آن را دارم، اما همین اندازه می‌گویم که خواننده عزیز خود به خود متوجه خواهد شد (برای انسان صاحب همت) در این جهان تنها ممکن است یک شکست وجود داشته باشد و آن (نومیدی) است.

وقتی کسی تسلیم نومیدی گردید پیش از مرگ در شمار مردگان در آمده، از این رو حق دارد خود را شکست خورده بداند و گرنه، ای بسا حوادث که ظاهراً ناگوار و رنج‌دهنده است ولی نتیجه آنها در صورتی که (اراده از پای درنیامده باشد) آغاز تحولی تازه در زندگی و مقدمه پیروزی جدید خواهد بود.

وقتی آدمی در برابر پیش آمدهای سخت خود را باخت مثل این است که ارزش وجود خویش را پایین می‌آورد تا آنجا که گاهی آن را هیچ می‌شمارد و خواه‌ناخواه به رایگان در اختیار اندوه می‌گذارد، درست همچون شمعی که می‌سوزد و می‌گذارد و نابود می‌شود ولی شخص با همت در بازار زندگی تن به چنین سودای پُریزان نمی‌دهد، اگر انسان باید از میان برود چرا در راه پیروزی و کامیابی نرود؟ آخر این چه ابله‌ی است که غم شکست آدمی را در زیر دست و پای سنگین اهریمنی یأس

شیرزاد یا گرگ جاده/ ۵

خفته و نابود کند؟ قیافه زندگی آن چنان که بدبینان و نومیدان پنداشته‌اند زشت و زنده نیست، به شرط آن که از خشم و تهدیدش وحشت بسیار نکنیم، بلکه چندان خود را در برابر او خونسرد و کوشا نشان دهیم که سرانجام لب‌های زندگی از هم باز شود و به روی ما لبخند زند.

امید فراوان دارم خواننده گرامی کتاب شیرزاد در این راه به بهترین وجه راهنمایی شده باشد.



در پایان مقدمه لازم است از خواننده کتاب عذر نقص کار خویش را بخواهم زیرا قرار بود در پایان داستان فصلی را اختصاص به مواردی از اشعار حافظ بدهم که در آن شاعر بلندآوازه از شخصیت‌های تاریخی این داستان یاد کرده مانند شیخ ابواسحق و امیرمبارزالدین و شاه شجاع و خواجه قوام‌الدین صاحب عیار و توران شاه و شاه یحیی و غیره.

اما چون هنگامی که فصول آخر کتاب شیرزاد و همچنین مقدمه آن چاپ می‌شد، نویسنده در تهران نبود به علاوه بیشتر دوست دارم خواننده این کتاب خود را به خواندن داستانی عشقی و جنگی سرگرم بداند نه مطالع یک اثر ادبی و تحقیقی، از این رو نوشتن (ذیل) کتاب به چاپهای بعد موکول شد.

و نیز باید یادآوری کنم که چاپ داستان شیرزاد دو سال پیش در یکی از مجلات هفتگی تهران آغاز گشت ولی به علت توقیف مکرر مجله مزبور، طبع بقیه داستان نیز به تعویق افتاد تا این ایام که داستان کامل شیرزاد به همت ناشر در دو جلد به خوانندگان با ذوق تقدیم می‌شود.

نیر ۱۳۳۷ - دکتر ناظرزاده کرمانی

فصل اول

کاروان

سردسته راهزنان مسلح در پشت حلقه چاهی دور از معبر همچنان که با راهزنان زبردست به کمین نشسته بود نگاهی به بیابان بی آب و گیاه که جاده رفسنجان و یزد از میان آن می‌گذشت افکند و همین که دانست جنبه‌ای به چشم نمی‌آید، آهی کشید و به دنبال سرگذشت خویش که شمه‌ای از آن را برای مردان خود بازگفته بود چنین گفت: «... باری... وقتی پدر و مادر نوشین بیتابی مرا در عشق دختر زیبایشان دیدند و یقین کردند که به آسانی از او نخواهم گذشت به داروغه سیرجان شکایت بردند و گفتند جوان هرزه‌ای هر شب چون دزدان به بام خانه ما می‌آید و رفتار زشت او به قسمی موجب بدنامی نوشین دختر ما شده که جرأت حرف زدن با دختران همسایه را ندارد زیرا همه به طعنه نام آن جوان را به زبان می‌آورند و او را ناراحت می‌کنند.

داروغه اول به شکایت آنها اعتنا نکرد ولی همین که شبانه پدر نوشین کیسه‌ای پر از سکه نقره به در خانه او برد، صبح روز بعد به دستور او مرا گرفتند و نزدیک ظهر در بازار شهر به چوب بستند...

هرچه مادرم پیش داروغه التماس کرد، چون پدر نوشین به او رشوه داده بود